

سیزدهم آذرماه، روز مبارزه با سانسور گرامی و آفتاب آزادی بیان فروزان باد!

آذرماه امسال در حالی به پیشواز روز مبارزه با سانسور-اعلام شده توسط کانون نویسندگان ایران- میرویم که جای جای ایران داغدار فجایعی است که از رویارویی مردم با مجریان دستگاه سانسور برجای مانده است. هیولایی که تا پیش از آن چنگالهای حذف، ارعاب و سرکوب را ریاکارانه بر دهان و گلوی مردم میفشرد و با موازین خودساخته



افراد و گروهها را به سیاهچاله های بازجویی، بازداشت های طولانی، دادگاه های غیرعلنی، حبس های تعزیری و تعلیقی و اعتراف گیری های اجباری میفرستاد و با حکم های واهی، هر آزاداندیش و کنشگری را به زندانی سیاسی، ممنوع از کار و ممنوع از خروج تبدیل می کرد، دیگر بار دروازه های مکان های نامعلومش را به دست نهادهای نامعلومش گشود، به نفس های اعتراض مردم زنده هجوم آورد و بغض های به فریاد آمده را آشکارا به گلوله بست.

سانسور که بسیار کوشیده بود با قتل های سیاسی-زنجیره ای و طرح ترور دسته جمعی نویسندگان، جامعه را از تفکر انتقادی تهی کند، حصارها را برپا داشت و تمام فضای عمومی و خصوصی زندگی مردم را بلعید. مفاهیم ادبی و فرهنگی را از کتاب های آموزشی تاراج کرد تا الگوی ایدئولوژی و هدفهایش در مغز نسلها جایگزین شود و با حبس کنسرتها، فیلمها، کتابها، صدای زنان و فعالان، لغو و محدود کردن مجوزها، مسدودسازی و کاهش دسترسی به اطلاعات، حذف رسانه های مستقل، گروهها، ممانعت از ایجاد تشکلهای و برگزاری تجمعها و با اعمال مالکیت مستبدانه بر صفحات شخصی و شبکه های اجتماعی، نمای کوتاهی شد از مستند تاریخی که بر این سرزمین به اجرا درآورد.

در روزهای اخیر دیدیم سانسور با هوش سیاه خود اولین حکومتی شد که هراسان رسیدن واقعیت به گوش جهانیان، تمام راه های ارتباط مجازی را بست تا در سکوتی محض، صدای معترضانی را به گلوله ببندد که برای پاسداشت هرچه تمام تر منابع و حیاتشان و برای آرمان زندگی بهتر نسلها از مشروطه تا امروز خونها فشانند، اما از بدیهی ترین

حقوق بشری، شادی، آینده، زیبایی، هنر، فرهنگ و حتی حق داشتن معیشتی امن محروم شدند. با قطع سرتاسری اینترنت، فرمان خاموشی صدای ایران صادر شد و در این میان آنچه کمترین اهمیتی نیافت هدررفت منابع هنگفت مردمی و خسارات مترتب بر هستی آنان بود. سهم کلانی از ذخایر اقتصادی و توان پژوهشی کشور صرف طراحی و اجرای پروژه‌های تاریخی جداسازی مجازی مردمی از جهان شد که باید تاوان بی‌کفایتی ساختار حاکم را می‌پرداختند و درحالی‌که سخنگویان قدرت، نیروی سیستم را در اعمال بی‌سابقه‌ی این شکل مدرن و پیچیده‌ی سانسور می‌ستودند، شریان اقتصاد و رسانه مسدود شد تا با تأکید بر مصادیق و بهانه‌های ناروا، اطفای خشونت‌بار آتش فریادها و گم‌شدن، بازداشت و کشتار هزاران تن توجیه شود.

این‌ها البته ختم کلام تمامیت‌خواهی نظام مبتنی بر سانسور نیست؛ اجرای عملیات «اینترنت ملی، اینترنت» با توان کنترل حداکثری افراد و گروه‌ها، در دستور کار دولت است تا رسانه‌ی حاکم تنها صدایی شود که حق سخن و حکم راندن بر مردم را دارد. مردمی که در این ساختار گویا فقط نقش سیاهه لشکری آماری دارند که حاکمیت از آن‌ها مشروعیت سیاسی بگیرد.

اما همگان دیدند مردمان محروم از حق مطالبه و حتی دفاع از خود، نشان دادند که در تلاش برای رسیدن به جامعه‌ی مدنی و آزاد، باید کنش جمعی علیه سانسور و رسیدن به آزادی اندیشه و بیان از مهم‌ترین مطالبات و اهداف باشد، پس به‌رغم خطرات جانی و علی‌رغم محاصره‌ی نظامی مجازی و واقعی، فریاد اعتراضشان را به صف‌های تاندان مسلح امنیتی کوبانند تا حصارها را بشکنند.

کانون نویسندگان ایران با نکوداشت سیزدهم آذر روز مبارزه با سانسور یاد همه‌ی جان‌دادگان دفاع از آزادی بیان و دلاوری علیه خفقان را پاس می‌دارد، خواهان آزادی بی‌قیدوشرط همه‌ی کسانی است که به دلیل بیان نظر، عقیده یا اعتراض از حقوق انسانی خود محروم شده‌اند و از آزادی خواهان و سانسور ستیزان ایران و جهان می‌خواهد با گرامیداشت سیزدهم آذر روز مبارزه با سانسور و پیگیری و بازخواست حق‌راستین «آزادی بی‌هیچ حصر و استثنای اندیشه و بیان»، امروز را به فردایی روشن پیوند دهند.

کانون نویسندگان ایران

